

پدیدار شناسی مسکن روستایی^۱

محسن سرتیپی پور *

تاریخ دریافت مقاله:

۱۳۸۹/۰۸/۱۷

تاریخ پذیرش مقاله:

۱۳۸۹/۱۲/۰۴

چکیده

طرح‌های مسکن که امروزه تهیه می‌شود به‌رغم برخورداری از برخی ارزش‌های ممکن، به دلیل بی‌توجهی نسبت به مفهوم مسکن در تقابل با زندگی و محیط اطراف قرار گرفته و در حالت مطلوب، نقایص و کاستی‌های خود را از طریق آزمون و خطا برطرف می‌نماید. در حالی‌که مسکن معاصر در چنین مسیری گام بر می‌دارد، مسکن بومی به خوبی به اصالت زندگی و پتانسیل‌های محیطی آگاه بوده و به‌جای بی‌توجهی به نیازهای زندگی و مبارزه با متغیرهای جغرافیایی، در هماهنگی با آن شکل گرفته است. مصداق‌های خوب این نوع معماری را می‌توان در خانه‌های روستایی مشاهده نمود. این معماری که دارای اصول نسبتاً ثابت و پایداری است به‌راحتی دستخوش دگرگونی قرار نمی‌گیرد و تغییرات آن اغلب بطئی، درونی و در طول دوره‌های زمانی نسبتاً طولانی صورت گرفته است. یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های معماری روستایی توجه به طراحی منطبق با نیازهای فطری مردم و محیط و فعالیت‌های روزمره آنان مانند نوع فضاهای معیشت مردم است. مصداق‌های معماری از هم‌نشینی فضاهای زیستی و معیشتی در این نوع مسکن عمق توجه نسبت به زندگی مردم و نیازهای آن‌هاست که فضای کالبدی را با داستان زندگی مردم هماهنگ و آن را ایجاد نموده است. چنین نگاهی به زندگی و توجه به نیازها و هماهنگی با محیط طبیعی منجر به شکل‌گیری اشکال مختلف مسکن به صورت چادر، آلاچیق و مسکن موسمی یا دائم شده است. معماری روستایی اعم از مسکن، یا معماری فضاهای عمومی مانند آب‌انبارها، یخچال‌ها، آسیاب‌های آبی و بادی، کفتر خان‌ها (برای حاصلخیزی و رشد گیاهان)، بندها و ... مصداق بارزی از کتاب زندگی مردم است که همچون دایره المعارفی بزرگ نشان‌دهنده جهان بینی و چگونگی دانش سازندگان آن است. توجه به روستا و مسکن روستایی و معماری نشأت گرفته از فطرت انسانی آن و فضای طبیعی و بستری که در آن شکل گرفته، امروزه نیز می‌تواند راهگشا و راهنمای معماران در طرح مسکن روستایی باشد. اما آغاز چنین رهیافتی مستلزم پدیدارشناسی مسکن روستایی و رجوع دوباره به چیستی و چرایی آن است. چنین فرایندی گام مهمی در مسیر شناخت، درک و احاطه به موضوع محسوب می‌شود که می‌تواند در تبیین اصول و معیارهای مسکن مطلوب روستایی اثرات مثبتی داشته باشد.

واژگان کلیدی: پدیدار شناسی، سرپناه، مسکن، سکونت، خانه روستایی، فضای معماری.

* دانشیار گروه معماری دانشکده معماری و شهرسازی و عضو هسته پژوهشی معماری روستایی دانشگاه شهید بهشتی.

- این مقاله برگرفته از طرح گونه شناسی مسکن روستایی استان مرکزی است که با پشتیبانی معاونت پژوهشی دانشگاه شهید بهشتی در هسته پژوهشی معماری روستایی دانشکده معماری و شهرسازی تهیه شده است. همچنین قسمت‌هایی از مقاله با تکیه بر طرح پژوهشی مسکن در روستاهای ایران است که طی سالهای ۸۷-۸۴ توسط نگارنده در بنیاد مسکن انقلاب اسلامی انجام شده و نتایج آن در کتاب خانه‌های روستایی ایران در سال ۱۳۸۹ به چاپ رسیده است.

مقدمه

دشواریترین وظیفه معماری پیش بینی و اطلاع از نحوه استنباط و استفاده کاربران از فضا، پیش از ساخت آن است. هر چند چنین آگاهی در ظاهر می تواند به صورت امری ساده تلقی شود اما شناخت و پیش بینی درست و سازگار، کاری مشکل است. این موضوع به ویژه در مورد گروه های مختلف قومی یا گروه هایی که با تفکرات و سلیقه های متفاوت به صورت روزافزون در حال افزایش اند و امروزه معماران برای آن ها طرح تهیه می کنند صادق است. طراحی ساختمان حتی برای مردمی که زمینه ای مشابه با نیازها و علایق معمار دارند، به حد کافی سخت است و چنانچه این امر برای گروه هایی با زمینه های اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی متفاوت باشد و معمار بخواهد رضایت آن ها را از طرح فراهم آورد بسیار مشکل تر خواهد شد. اگر معمار بکوشد فکر آن ها را بخواند یا از طریق القاء با آن ها ارتباط برقرار کند، احتمالاً به خطا می رود. شاید او علایق، نیازها و هنجارهای محیطی و معیارهایی را به آن گروه ها نسبت دهد که در واقعیت دارای آن نباشند. احتمال دارد فضاهایی را طراحی کند که در بهترین حالت با تمایلات باطنی استفاده کنندگان، سازگار و در بدترین حالت، برای آنان غیر قابل تحمل باشد. طرح های جابجایی سکونتگاه های شهری و روستایی سانحه دیده که بسیاری از واحدهای مسکونی آن ها مورد استقبال قرار نگرفته یا بلااستفاده باقی مانده و همچنین برخی طرح های انبوه سازی که مورد استقبال قرار نگرفته و یا چنانچه از آن ها استفاده شده از سر اجبار و همراه با انجام تغییراتی بوده از مصادیق بارز چنین طراحی هایی است. بنابراین باید اذعان نمود محیطهای معماری، بدون درک معنا و منظور آن، نمی تواند مورد استفاده قرار گیرد.

طرح مسکن از این قاعده مستثنی نیست. یک معمار طرز برداشت، درک و استفاده کاربران روستایی یا شهری را چگونه پیش بینی می کند؟

اکثر پروژه های اجرا شده مسکن چه در شهرها و چه در روستاها حاکی از سقوط احساس درونی یا عدم همفکری معماران با نیاز سکونتی مردم است. باید توجه داشت اهمیت این مسئله و راه حل آن با انبوه سازی شروع و خاتمه نمی یابد. روی هم رفته، با احتساب تعدد پروژه ها و تجارب ناموفق، حجم عظیمی از زمان و انرژی از دست خواهد رفت و به همین میزان نیز احساس رضایت شخصی افراد نسبت به زندگی از بین رفته و به جای آن حس ناامنی و عدم آسایش ایجاد می شود و در بعضی موارد باعث تغییر رفتارها و از بین رفتن ساختار زندگی می گردد.

کافی است بدانیم این مشکل در موارد بسیاری به این سبب پیش می آید که استفاده کننده همان معنا و برداشتی را که معمار از فضای معماری داشته، بدان نسبت نمی دهد و منظور از آن را درک نمی کند. پس از چه راههایی می توان معنای زندگی را وارد معماری کرد؟ یک طراح معمار برای اینکه زمینه را جهت درک درست زندگی روستایی و پیش بینی آن تنظیم کند، چه درک نظری از معنای معماری روستایی باید داشته باشد؟ سؤالات مذکور می تواند از منظر علوم و دانش مختلف مورد بررسی و به پاسخ های زیادی برسد اما بی شک یکی از این پاسخ ها از طریق بررسی مفاهیم و معنای روستا، خانه و مسکن روستایی است. با این فرض پدیدارشناسی مسکن روستایی به عنوان یکی از راه های پیش رو برای یافتن معیارها و ویژگی های مسکن مطلوب است که هدف این مقاله قرار گرفته است.

روش‌شناسی تحقیق

با توجه به افزایش جمعیت کشور طی سال‌های اخیر و ضرورت تأمین مسکن برای ۲۳ میلیون نفر جمعیت روستایی ساکن در آن، تأمین مسکن مناسب و متناسب با نیازهای جامعه روستایی مسئله مهمی است که باید مورد توجه قرار گیرد. اما در کنار اقدامات عملی و طرح‌های پژوهشی انجام شده، چیرستی و چرایی وجود و دلایل شکل‌گیری مسکن روستایی کمتر مورد توجه قرار گرفته است.

این مقاله که برگرفته از طرح پژوهشی "گونه‌شناسی مسکن روستایی استان مرکزی" است مسئله مسکن روستایی را از نگاه پدیدارشناسانه در واژه‌های سرپناه، خانه، مسکن روستایی، روستا و فضای معماری مورد توجه قرار می‌دهد.

روش تحقیق توصیفی-تحلیلی و مبتنی بر مطالعات مکتوب و کتابخانه‌ای و جمع‌آوری مونوگرافی‌های موجود در مرکز اسناد دانشکده معماری و شهرسازی دانشگاه شهید بهشتی، پژوهش‌های روستایی؛ و مشاهدات میدانی نگارنده و گروه پژوهش از روستاهای استان مرکزی و سایر روستاهای کشور است که از طریق قیاس و استقرا جمع‌بندی و در قالب این مقاله ارائه شده است.

پدیدارشناسی

پدیدارشناسی^۲ از ریشه‌ای یونانی به معنای نمایش دادن و نشان دادن اخذ شده است. واژه پدیده^۳ در فرهنگ وبستر به معنای "یک شیء یا جنبه و نمود شناخته شده از طریق حواس، نه از طریق تفکر" آمده است. پدیده معمولاً با اصطلاح معقولات به معنای "آنچه به وسیله تفکر دریافت می‌شود" در تقابل است. پدیده چیزی است که بر کسی ظاهر می‌شود یا خود را نشان می‌دهد، اما پدیده‌شناسی، چیزی بیش از توصیف آن چیزی است که بر کسی ظاهر می‌شود. (پرتوی ۱۳۸۷)

برای تعریف ماهیت یک چیز، باید در پی یافتن نوعی ارتباط یا ساختار باشیم که در میان تعدادی از موقعیتهای مرتبط به طور ثابت و لایتغیر باقی می‌ماند. هدف اصلی پدیدارشناسی، بررسی، تحقیق و شناخت مستقیم و بی‌واسطه پدیده‌ها و بازگشت به سوی خود اشیاء است. (پرتوی ۱۳۸۷)

روش پدیدارشناسی به ما کمک می‌کند به دنیایی که پیش از مفهوم سازی‌های ما وجود داشته است، دست یابیم و واقعیت را دوباره کشف کنیم. پدیدارشناسی به دنبال آن است تا تجربه‌های اصلی را آن گونه که هستند، منعکس نماید و به همین دلیل به آنچه در ورای ظواهر زندگی روزمره قرار دارد، نظر می‌کند.

پدیدارشناسی با پذیرش غیر قابل انفکاک بودن انسان و جهان توجه اصلی و مرکزی خود را معطوف به شناسایی روشی می‌نماید که انسان‌ها در ارتباط و تعامل با دنیای خاص زندگی خود دنبال می‌نمایند.

سرپناه و پیشینه تاریخی آن

بررسی سوابق تاریخی، آثار و قراین سکونتگاه‌های باقی مانده در دشت‌ها و دامنه کوه‌ها از دوره ما قبل تاریخ نشان می‌دهد که اولین ساکنان نجد ایران در غارهایی که عمدتاً طبیعت آن‌ها را برای انسان به وجود آورده بود پناه می‌گرفتند. فضای اسکان در این نوع سکونتگاه‌ها حکم "سرپناه" را داشت. به این اعتبار سرپناه را می‌توان به معنی فضایی دانست که انسان در آن پناه می‌گیرد تا حداقل ایمنی در برابر عوامل محیطی و جوی را برای انسان به وجود آورد. در این دوران انسان گاه در پاسخگویی به نیازهای فطری و برآمده از درون به تزئین دیوار غارها می‌پرداخت. پیدایش اولین سرپناه‌های انسان ساخت در ایران را می‌توان مقارن با پیدایش اولین نشانه‌های یکجانشینی در حدود ۶۰۰۰

سال پیش از میلاد دانست. در این زمان انسان‌های ساکن در کوه‌ها و غارها کم کم به سمت دشت‌های حاصلخیز نزدیک شدند (سرتپی پور، ۱۳۸۸) و بر پا نمودن اولین سرپناه‌ها را تجربه نمودند.

انقلاب کشاورزی و پرورش دام با تحولی که در شیوه زندگی پدید آورد؛ تغییرات بنیادینی در فعالیت‌ها و رفتارهای انسان به دنبال آورد. زندگی کشاورزی نیازمند حضور دائم در محل و زندگی مبتنی بر پرورش دام نیازمند جستجوی مراتع به منظور تغلیف دام‌ها بود و این مستلزم شکل‌گیری اجتماعات انسانی بود. اما هنوز فاصله زیادی میان این فضاها تا شکل‌گیری فضای "خانه و مسکن" وجود داشت.

چنین فضاهایی را به صرف اینکه بستر زندگی مردم آن روزگار به شمار می‌آمدند؛ نمی‌توان «مسکن» انگاشت. اما شیوه زندگی یکجانشینی مفهوم خانواده را کامل و باعث شکل‌گیری هویت طایفه‌ای، خانوادگی و فردی برای انسان شد. (آرام و دیگران، ۱۳۷۸) با شکل‌گیری چنین تحولاتی در زندگی آدمی، دیگر جستجوگری صرف در قابلیت‌های محیط برای تامین سرپناه و فضای اقامت، پاسخگوی نیازهای او نبود و دخالت در محیط برای انطباق آن با خواسته‌های جدید ابعاد دیگری پیدا کرد. پیدایش مس در ۵۰۰۰ BC، برنز ۳۰۰۰ BC، و آهن BC ۱۸۰۰ (سرتپی پور، ۱۳۸۸) و امکانات این مواد برای تهیه ابزار، تسلط بشر بر محیط را افزایش داد و به دنبال آن به خدمت گرفتن فنون جدید شیوه‌های معیشت نیز بهبود یافت و اندیشه فراهم آوردن مکانی ثابت شکل گرفت که به توسعه کیفیت سکونت و معیشت منجر شد. نیاز به داشتن حریمی برای حفظ حیات و هویت اجتماعی، خانوادگی و فردی و مقتضیات معیشت عواملی بودند که عرصه عملکرد و معنا را به محل اقامت انسان وارد نمود و باعث شد تا فضا، نقشی فراتر از «سرپناه» و «اقامتگاه»

پیدا کند. از این پس انسان، نه تنها به منظور مصونیت از خطرات محیط و یا اقامت و استقرار، نیازمند فضا و مکان بود بلکه نیازمند جایی برای اسکان و سکونت در آن شد.

مسکن کردن و سکونت

سکونت از ریشه «سُکَن» به مفهوم آرام و قرار است. واژه‌های هم‌خانواده سکونت شامل مُسْكَن (آرام بخش)، تسکین (دل‌داری دادن و آرام کردن)، ساکن (کسی که در جایی قرار و آرام گرفته است)، سکونت (استقرار در مکانی که فراتر از مسکن است و در حد مفهوم فضایی محله، روستا و شهر)، اسکان (مستقر کردن، مستقر شدن)، مسکون (ساکن شده، مستقر شده)، مسکونی (مکانی که در آن خانواده یا افرادی ساکن هستند)، سکینه (اسم مؤنث، کسی که آرام و قرار دارد)، و مَسْكَن (اسم مکانی که در آن گروه و خانواری ساکن هستند) می‌باشند. مهم‌ترین واژه‌های مترادف مسکن در ادبیات ایران شامل سرپناه، خانه، سرا، منزل، بیت، اطاق، چادر، خیمه، آلاچیق، کلبه، سراچه، باب، بنا، خانه سرا، دار، کده (دهکده) و خان است.

از بررسی مفهوم دو واژه سرپناه و خانه که معادل مسکن در نظر گرفته شده می‌توان نتیجه گرفت مسکن دارای مفهومی محیطی است که معنایی فراتر از سرپناه و خانه دارد و در این مرتبه نیازمند ابزاری است که به پیوند بین زندگی، خانواده و محیط منجر شود.

سکونت کردن رابطه‌ای است که توسط فعالیت خودآگاه و هدفمند انسان، میان کارکردهای حیاتی وی مانند اقتضائات معیشتی، رفتارهای اجتماعی و حیات شخصی او و یک مکان برقرار می‌گردد. این رابطه ظهور مفاهیم بنیادینی چون قلمرو، فضای شخصی و قابل دفاع

تسهیلات اولیه می باشد که باید با توجه به استطاعت مالی مردم تأمین شود".

خانه روستایی

با گسترش یکجانشینی و شکل گیری تمدن و هویت خانوادگی و فردی، رفته رفته مفهوم فضایی خانه شکل گرفت و مفاهیمی چون قلمرو شخصی، و فضای امن وارد عرصه زندگی انسان شد. چنین نیازی مقارن با زمانی بود که انسان از مرحله تأمین فضا به صورت سرپناه برای حفاظت به مرحله ای والاتر رسید و فضایی برای شکل گیری محور اصلی زندگی یعنی خانواده لازم داشت. چنین فضایی خانه بود که بلافصل ترین فضای مرتبط با انسان محسوب می شود که به صورت مداوم بر رفتار وی تأثیر می گذارد و اولین جایی است که انسان احساس تعلق به فضا را در آن تجربه می کند. تنها مکانی که اولین تجربه های بی واسطه با فضا در انزوا و جمع، خلوت با خود، همسر و فرزندان، دوستان و دیگران در آن صورت می گیرد، خانه است.

در حالیکه خانه مفهومی است که به فضای درون توجه و تأکید بیشتری دارد، واژه مسکن بر ارتباط با فضاهای بیرون بیشتر توجه می نماید. خانه قبل از هر چیز فضا و مکانی درونی است. درونی بودن آن در رابطه با بیرون آن، کوچه و خیابان، رودخانه و مزرعه، گستره های بیرونی شهر و روستا، دریا و زمین و آسمان، طبیعت و جهان، و سرانجام همه هستی معنا و ارزش می یابد. شولتز معتقد است مهم ترین حسن خانه این است که رویا را در خود می پروراند و به ما این امکان را می دهد که در آرامش در تخیلات خود غرق شویم.

(گاستون بشلار به نقل از نوبرری شولتز، ۱۳۸۱)

ارزش ها، تصورات، ادراکات و شیوه های زندگی به صورت مستقیم در خانه انعکاس می یابند. به همین دلیل تفاوت در اشکال خانه ها هم ریشه در تمایزات

را به دنبال می آورد (لنگ، ۱۳۸۱) که نیازمند دخالت در محیط و ایجاد فضا است. (تصویر شماره ۱)

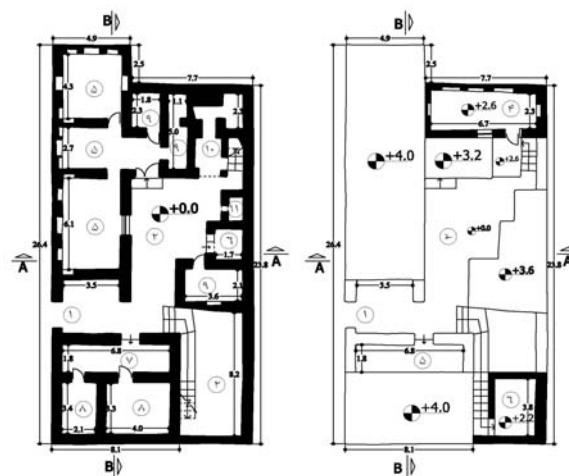
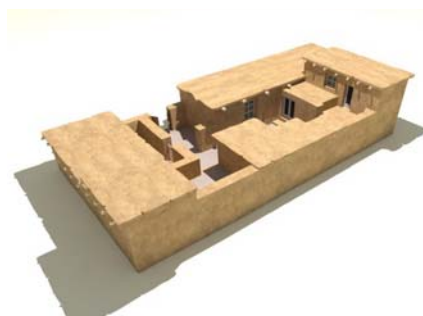


ت ۱. روستای وفس از توابع شهرستان کمیجان (بالا)، و جلسبان از توابع شهرستان زرننده (پائین) استان مرکزی.

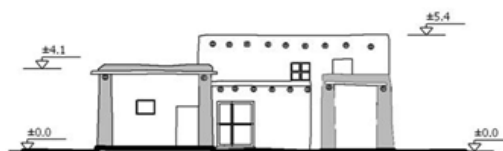
بدین ترتیب، آغاز شکل گیری «مسکن» را می توان مقارن با زمانی دانست که انسان، دیگر به دنبال سرپناه نبود بلکه باید آن را برپا می نمود.

دومین اجلاس اسکان بشر (۱۹۹۶) در استانبول در نگاهی کمی، مسکن مناسب را چنین تعریف نموده است: "مسکن مناسب تنها به معنای وجود یک سقف بالای سر هر شخص نیست بلکه به معنی آسایش، فضای کافی، دسترسی فیزیکی و امنیت، مالکیت، پایداری دوام سازه ای، روشنایی، تهویه و گرمایش و سرمایش مناسب، وجود تأسیسات زیر بنایی و خدماتی آب، برق، تلفن، بهداشت، دفع فاضلاب و زباله مناسب، کیفیت مناسب زیست محیطی، و موقعیت مناسب برای دسترسی به کار و

شیوه زندگی و مقولاتی از قبیل تصور از زندگی مطلوب، سازمان اجتماعی، مفهوم قلمرو، شیوه برآورده کردن نیازهای اساسی و ارتباط بین سکونت و الگوی اسکان دارد. (تصویر شماره ۲)



- | | |
|--------------|-------------|
| ۱. ورودی | ۷. بهار بند |
| ۲. حیاط | ۸. آغل |
| ۳. ایوان | ۹. انبار |
| ۴. مهمانخانه | ۱۰. طویله |
| ۵. نشیمن | ۱۱. مرغدانی |
| ۶. مطبخ | |



ت ۲. خانه با معیشت دامی و فروش لبنیات، روستای موسی آباد از توابع شهرستان آشتیان.

از منظر اجتماعی خانه پدیده‌ای فرهنگی است که شکل و سازمان آن متعلق به فرهنگی است که بدان تعلق دارد. حتی آن زمان که خانه برای بشر اولیه به عنوان سرپناه مطرح بود، مفهوم عملکرد تنها در فایده صرف یا عملکردی محض خلاصه نمی‌شد و وجه سرپناهی خانه به عنوان وظیفه ضمنی، ضروری و انفعالی مطرح بود و جنبه مثبت مفهوم خانه ایجاد محیطی برای زندگی خانواده به عنوان واحد اجتماعی بود. (راپاپورت، آموس، ۱۳۷۶)

انسان هویت فردی خود را در خانه بازیابی می‌نماید. یونگ در این باره، معتقد به حضور و تجلی «خود» در کالبد خانه است: من از آغاز، خانه را به مثابه مکان بلوغ، زهدانی مادرانه که در آن می‌توانم به سوی آنچه بودم، آنچه هستم و آنچه خواهم بود؛ تحول یابم، احساس می‌کردم ... نشانه‌ای از جامعیت روانی ... من در بولینگن، در کانون زندگی حقیقی‌ام قرار دارم. من عمیقاً خودم هستم. (موگروئر، روبرت، ۱۳۸۰)

"هر مکانی که انسان در آن زندگی می‌کند باید با قصه‌ای شروع شود. اگر بخواهیم معماری خوبی داشته باشیم باید به فطرت، نیاز و مسائل جزئی و کلی توجه کنیم. امروزه دیگر از فکر و مغز برای طراحی بنا استفاده نمی‌شود، در حالی که در روستاها و بناهای روستایی اینگونه نیست." (راسم بدران، کارگاه فهم معماری ایران، پنجره‌ای به گرگان ۵-۸۹)

مسکن بومی روستایی تصویری از بستر و زندگی روزمره روستایی است که در خدمت شیوه‌ای خاص از فعالیت‌های انسانی (معیشت کشاورزی و دامداری) قرار دارد. خانه روستایی ارتباط عمیقی با محیط داشته، به آن وابسته است و محل سکونت افرادی است که به فعالیت‌های تولیدی اشتغال دارند. (تصویر شماره ۳)

روستا

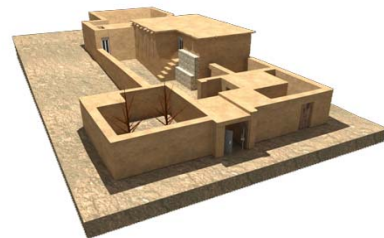
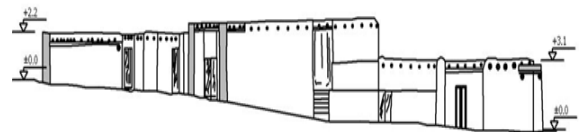
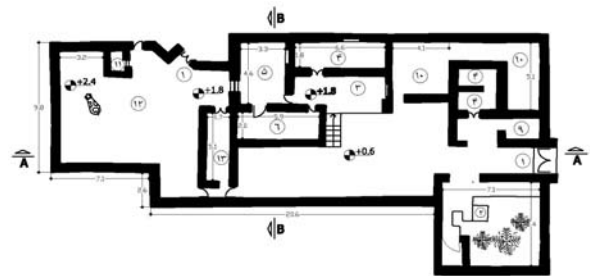
آثار و بقایای بجای مانده از تمدن کهن ایران مانند شهر سوخته، تپه حصار و سیلک نشان دهنده زندگی مبتنی بر کشاورزی، دامداری و شکار است. از این مکانها می توان به عنوان محل اولین روستاهای ایران یاد کرد. ورود آریایی ها به ایران در حدود ۲۰۰۰ سال پیش از میلاد و فراگیری کشاورزی از بومیان، مراحل شکل گیری و گسترش تمدن را سرعت بخشید. گروهی به دلیل زندگی چادرنشینی در طی مهاجرت و مقتضیات جغرافیایی فلات ایران شیوه زیست مبتنی بر کوچ نشینی را دنبال کردند. در مناطقی که شرایط برای کشاورزی مساعد بود، اسکان دائم شکل گرفت و اولین سکونتگاه های روستایی به وجود آمد.

استقرار در مکان برپا می شود و مکان، بخشی از فضای جغرافیایی است که سطح و بعد دارد و توسط افراد، اشیاء و دیگر موجودات زنده اشغال شده است. از منظر سکونت، مکان بخش ویژه ای از فضا است که به صورت شهر، روستا، آبادی و مانند آنها تبلور یافته است.

آنچه به عنوان آبادی از آن یاد می شود مشتمل بر انواع سکونتگاه های انسانی است و بر خانه، مزرعه، قلعه، کلاته، قریه، روستا، قصبه، شهرک و شهر شمول دارد. آبادی با آب و آبادانی همراه است و از لحظه ای آغاز می گردد که فرد یا گروهی از افراد، مکانی (بخشی از محیط پیرامون خود) را به عنوان بستر سکونت انتخاب نمایند. براین اساس، کلیت یک آبادی متأثر از ساختار مکان طبیعی و روابط میان ساکنان آن است که در برگزیده ساختارها و عوامل مختلفی از جمله سنت، مذهب، معیشت و اعتقادات اهالی است.

واژه روستا در فرهنگ های فارسی به ده و قریه اطلاق شده است. ده واژه ای پارسی است که از دهیو به معنی سرزمین و کشور گرفته شده است. در دایره المعارف

بنابراین تأمل پیرامون مسکن و خانه متناظر با مفهوم «سکونت کردن» در مکانی خاص (آبادی) است. همانگونه که مسکن مفهومی فراتر از چارچوب خانه را دربر می گیرد، سکونت کردن هم معنایی فراتر از مسکن و رفع نیاز، و بیانگر برقراری پیوندی پرمعنا میان انسان و محیط است. می توان گفت: تمدن انسانی زمانی شکل گرفته که انسان مسکن گزیده و از این طریق هستی خود را در جهان تثبیت کرد و این خواسته مستلزم ارتباط میان عناصر مکان و فضا است.



ت ۳. خانه با معیشت کشاورزی، روستای آجان از توابع شهرستان زرنده.

دهخدا روستا از ریشه رستن و روئیدن معنا شده است. در زبان پهلوی به روستا، روستاک، رسداق، رزداق و رستاق می گفتند که معنی وسیع تری از ده داشته است. در برخی از تعاریف در مورد روستا آن را محلی که فعالیت اغلب ساکنان آن وابسته به زمین مانند کشت و زرع باشد، ذکر کرده اند و این نشانه قائم به ذات بودن آن است، چون بدون کشاورزی این صفت را نمی یافته است. ده و قریه ممکن است بر مبنای کشاورزی نباشد و ساکنان آن زارع، برزگر، کشاورز و دامدار روستایی نباشند و معیشت آنان مبتنی بر فعالیت هایی دیگر مانند خدمات، صنایع دستی، استخراج معدن، بهره وری از آب معدنی و صیادی استوار باشد ولی اگر این واحد معیشت با بهره وری از فضاها یا فعالیت های کشاورزی و مرتبط با آن نظیر باغداری، مزرعه داری، نخیلات، دامداری، پرورش طیور، پرورش زنبور عسل، پرورش ماهی، صید ماهی، شکار حیوانات و نیز صنایع دستی که مواد اولیه آن از گیاهان و حیوانات اهلی است، شکل گرفته باشد، روستا نامیده می شود.

در قرآن کلمه قریه و مشتقات آن شامل قریتک، قریتکم، و قریتنا در مجموع ۵۷ بار تکرار شده است. معنایی که در ترجمه های مختلف برای این واژه به کار گرفته شده عموماً دلالت به جایگاه و مکان زیست مردمان بدون در نظر گرفتن میزان جمعیت آن دارد. مفسرین و مترجمین قرآن کریم قریه را شهر، آبادی، دیه، ده و دیار ترجمه نموده اند که در تمام آن ها منظور محل و مکان اجتماعات انسانی است. الهی قمشه ای آن را دیار؛ محمد خواجهوی، سید رضا سراج، محمد کاظم معزی، فولادوند، خرّمشاهی و فیض الاسلام آن را شهر؛ جلال الدین مجتبی و مکارم شیرازی آن را آبادی و شهر؛ محمود یاسری و صاحب محدث دهلوی آن را دیه ها ترجمه کرده اند. دیگر واژه هایی که برای سکونتگاه های انسانی در قرآن کریم بکار گرفته شده المدینه و المدائن، ۱۷ بار؛

بلد، بلده، بلد، و البلاد مجموعاً ۱۹ بار؛ دار، دارکم، دارهم مجموعاً ۳۲ بار؛ الدیار، دیارکم، دیارنا، دیارهم مجموعاً ۱۶ بار بوده است. مدینه بر وزن قبیلّه و بلد به معنی شهر و دار به معنی سرا، جایگاه و اقامتگاه معنی شده است. برای کامل شدن معنا و مفهوم قریه و روستا لازم است به تعریف واژه شهر نیز توجه شود. در تعریف شهر صرف نظر از تعاریف رایج مبتنی بر آستانه جمعیتی که اساساً ناقص محسوب می شوند، یکی از تعاریف کامل در مورد مفهوم شهر توسط احمد اشرف بیان شده و دیگران نیز همین مضمون را تکرار کرده اند. از نظر احمد اشرف شهر چه در دوران باستان و چه در دوره اسلامی پایگاه قدرت و جایگاه نظام اداری "شه پدري" (patrimonial) بوده است.

شهر را در زبان فارسی خشت گفته اند که به معنای پادشاهی (قلمرو پادشاه) بوده است. (اشرف، ۱۳۵۳) به این ترتیب تفاوت قریه یا روستا و شهر را می توان در استقرار دستگاه اداری و حکومتی در شهر اعلام کرد و در بقیه موارد وجه افتراق عمده ای بین آن ها مشاهده نمی شود. همچنین یکی دیگر از وجوه تفاوت عمده روستا با شهر را در غلبه فعالیت های کشاورزی و باغداری آن نسبت به سکونتگاه های دیگر است.

یکی از ویژگی سکونتگاه های شهری و روستایی این است که مرکز عمل آگاهانه و ارادی انسان ها هستند و به علت متفاوت بودن دیدگاهها و عمل مردم دارای ویژگی ها و هویت های متفاوتی می شوند. (مانند تفاوت ویژگی مکان ها و قلمروهایی که در اختیار اقوام مختلف کرد، آذری، بلوچ، لر و ... مشاهده می شود). مکان ها دارای ویژگی ها و خصایصی هستند که بازتاب ارزش ها، اهداف، فعالیت ها و روابط انسانی است که در ارتباط با عناصر طبیعی برقرار می شود. به همین دلیل فضا، طبیعت، انسان و فعالیت های اقتصادی - اجتماعی از

فضا

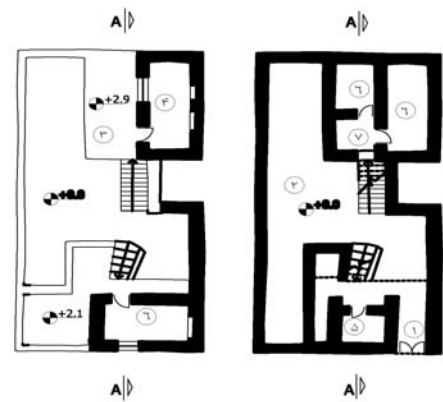
فضا مقوله‌ای بسیار عام است که تمام جهان هستی را پر و زندگی را احاطه کرده و به محیط حس راحتی و امنیت می‌بخشد. فعالیت‌هایی که انسان انجام می‌دهد نیاز به فضا دارد، بنابراین کارهای او دارای جنبه فضایی است. برای این که بشر بتواند به تصورات و ذهنیات خود عینیت بخشد، باید روابط بین اشیاء و آنچه در محیط قرار گرفته درک کرده و آن‌ها را در قالب مفهومی فضایی هماهنگ نماید. بنابراین فضا صورتی جامع و دربرگیرنده ارتباط، میان انسان‌ها با یکدیگر و محیط است.

فضا، واژه‌ای است که در زمینه‌های متعدد و رشته‌های گوناگون از جمله فلسفه، جامعه‌شناسی، معماری و شهرسازی به طور وسیع استفاده می‌شود و مفهوم آن از دیرباز مورد توجه اندیشمندان بوده است. تکرار کاربرد واژه فضا به معنی برداشت یکسان از این مفهوم در تمام زمینه‌های فوق نیست، و توافق مطلقی در مورد تعریف فضا در مباحث علمی به چشم نمی‌خورد و این واژه از تعدد معنایی نسبتاً بالایی برخوردار است.

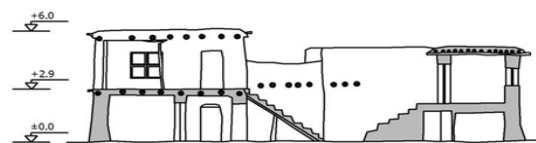
افلاطون هندسه را به عنوان علم الفضاء مطرح می‌نماید و ارسطو با کامل کردن این تعریف فضا را مجموعه‌ای از مکان‌ها دانسته که ظرف تمام اشیاء است. وی فضا را با ظرف قیاس می‌کند و آن را جایی خالی می‌داند که بایستی پیرامون آن بسته باشد تا بتواند وجود داشته باشد و در نتیجه برای آن نهایتی وجود دارد. در حقیقت برای ارسطو فضا محتوای یک ظرف بود.

بعدها تئوری‌های مربوط به فضا براساس هندسه اقلیدسی بیان شد، به طوری که مشخصه تفکر یونانیان در مورد فضا در تفکرات اقلیدس یا هندسه اقلیدسی

عناصر تشکیل دهنده مکان می‌باشد. با توجه به تغییر دیدگاهها و ارزش‌ها و رفتار اجتماعی افراد، ویژگی‌های مکان نیز در طول زمان تغییر می‌یابد. از ویژگی‌های مکان ایجاد تعلق خاطر به واسطه نقش عملکردی و هویت خاص و مشخصی است که در آن‌ها وجود دارد و به همین دلیل است که تمامی افراد نسبت به مکان تولد و زندگی خود احساس تعلق و وابستگی می‌کنند. مکان، بستر شکل‌گیری فرهنگ و معماری و محل زندگی انسان‌هایی است که در طی زمان کالبد آن را به وجود آورده‌اند. (تصویر شماره ۴)



- | | |
|----------|-------------------|
| ۱. ورودی | ۵. کاهدان |
| ۲. حیاط | ۶. آشپزخانه |
| ۳. ایوان | ۷. آغل |
| ۴. اتاق | ۸. فضای تقسیم آغل |



ت ۴. خانه با معیشت کشاورزی دامی، روستای چلسبان از توابع شهرستان زرنديه.

قابل مشاهده است. فضای اقلیدسی فضای یکسان، همگن و پیوسته ای بود که در آن برآمدگی یا انحنایی وجود نداشت و قابل اندازه گیری بود.

با ظهور دوره رنسانس، فضای سه بعدی به عنوان تابعی از پرسپکتیو خطی معرفی گردید که باعث تقویت برخی از مفاهیم فضایی قرون وسطی و حذف برخی دیگر شد. در قرون هفدهم و هجدهم، تجربه گرایی باروک و رنسانس، مفهوم پویاتری از فضا را به وجود آورد که بسیار پیچیده تر و سازماندهی آن مشکل تر بود.

دکارت از تأثیرگذارترین اندیشمندان قرن هفدهم، نقش عمده ای در دادن بعد کمی به فضا و مکان داشت. در سیستم مختصات راست گوشه او، همه سطوح ارزش یکسانی دارند و اشکال به عنوان قسمت هایی از فضای نامتناهی مطرح می شوند. تا پیش از دکارت، فضا تنها اهمیت و بعد کیفی داشت و مکان اجسام به کمک اعداد بیان نمی شد.

۱۸۰۰ سال بعد از ارسطو، کانت فضا را به عنوان جنبه ای از درک انسانی و متمایز و مستقل از ماده، مورد توجه قرار داد. او جنبه های مطلق فضا و زمان را در نظریه نیوتن از مرحله دنیای خارجی تا ذهن انسان گسترش داد و نظریات فلسفی خود را براساس آن ها پایه گذاری کرد. به عقیده کانت، فضا و زمان مسایل مفهومی و شهودی هستند که دقیقاً در ذهن انسان و در ساختار فکری او جای دارند و از ارگان های ادراک محسوب می شوند.

هایدگر از فیلسوفان معاصر نیز در تبیین واژه فضا بر این عقیده است که فضا به معنی جایی است که برای جای گیری آماده باشد. فضا به چیزی که یک محدوده و افق رهاست، جا می دهد. این تعریف از فضا می تواند تا حدودی با مفهوم مادی فضا و جایی که هنوز توسط اشیاء فضایی و مکانی صورت تحقق نیافته است، منطبق باشد. با این که تعریف دقیق و مشخص فضا دشوار و گاه

ناممکن است، اما تعریف فضا متأثر از موقعیت مکانی شخص است و بنا به نقطه دید وی، فضا به صورت های مختلف قابل ادراک می باشد. معماری، اجتماعی ترین هنر انسانی است و حضور فضا در زندگی آدمیان از هنگامی که انسان صرفاً به گردآوری خوراک می پرداخت یا در غارها زندگی می کرد تا حال حاضر لحظه ای غایب نبوده است. بشر نیازمند فضایی است که او را در مقابل تأثیرات محیط محافظت نماید. این نیاز که برگرفته از فطرت انسانی است از ابتدای زندگی تا به امروز تغییر چندانی نداشته است. معماری بر گرفته از چنین نیازی است و تجربه فضایی است که تمامی ارتباطات بر مبنای آن شکل یافته و سنجیده می شوند. فضای معماری به بیانی دیگر توصیف کالبدی فعالیت های زندگی انسان است. معماری، هنر به نظم در آوردن فضا است و انسان نمی تواند قبل از آن که افعال خود را منظم کرده و به زندگی خود سازمان دهد، فضا را به نظم در آورد. رابطه انسان با فضای معماری رابطه ای مداوم است که بخش مهمی از زندگی او را در بر می گیرد. این رابطه پیچیده تر از رابطه انسان با فضای هنرهای مانند نقاشی و مجسمه سازی است، زیرا انسان فضای خانه و مسکن را هم از درون و هم از بیرون تجربه می کند. از این رو بعد از قرن ها، هنوز مسأله اصلی معماری، فضا و زندگی و چگونگی ارتباط بین این دو است. اما این ارتباط از فرمول خاصی نتیجه نمی شود و به صورت الگویی از پیش تعیین شده وجود ندارد، بلکه باید آن را ایجاد نمود.

نتیجه

فضا جوهره اصلی خانه روستایی

مهم ترین خصوصیت فضای معماری که آن را از سایر حوزه های هنر متمایز می نماید جای دادن انسان در

تحقق این مفاهیم از مواد، روش ها و فنون اجرایی مختلف استفاده کرده و هیچگونه سختگیری در کاربرد روش ها و مصالح اعمال ننموده است. از این رو مقوله فضا همواره مهم ترین ویژگی معماری بوده است.

هر چند مؤلفه های مختلف اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی، عملکردی و ساختمانی از دیگر عوامل مهم لازم برای شکل گیری معماری هستند، اما برای تشخیص ارزش های معماری کافی نبوده و خمیر مایه و جوهره معماری همواره فضا و ایجاد تجربه فضایی بوده است. به عنوان مثال هر قدر نمای مسکن و خانه روستایی زیبا باشد، اما همانند پوسته ای است که در درون خود گوهر گرانبهای معماری یعنی فضا را محصور نموده است.

ممکن است روی این پوسته با ظرافت و مهارت نقوش یا کنده کاری شده و یا با سلیقه ای خاص تزئین گردیده باشد، اما در هر حال مجموعه ای از پوسته هایی است که فضایی سه بعدی را به وجود آورده و آنگاه معماری است که می بایست محتوای آن یعنی فضای درون بنا را به خوبی شکل داده باشد. بنابراین کلید فهم خانه روستایی وابسته به شناخت فضاست و از این طریق است که باید فضای مطلوب و دلنشین برای زندگی روستایی بوجود آورد. گرچه خانه های بومی روستایی طبق فرهنگ و رسوم محلی شکل گرفته اما شکل و سازماندهی این خانه ها اتفاقی و بر حسب تصادف نبوده بلکه در کنار پاسخگویی به نیازها و احتیاجات انسانی تصور فضایی روستائیان نقش بسیار تعیین کننده ای در شکل گیری آن ها داشته است.

یادداشت ها

۱. کشورهای مختلف آستانه جمعیتی خاصی برای تمایز شهر و روستا دارند. مثلاً در ایران سه آستانه جمعیتی بر اساس

درون آن است. نقاشی دو بعدی است، مجسمه نیز با این که دارای سه بعد است، اما انسان سه بعد آن را از بیرون مشاهده و درک می کند. لیکن معماری با اینکه باید شبیه مجسمه ای بزرگ باشد اما درون آن خالی شده تا انسان در آن زندگی و آن را تجربه نماید. از این رو معماری فقط هنر یا تصویری از زندگی تاریخی یا در حال گذار نیست، بلکه جایی است که زندگی در آن جریان دارد. فضای مسکونی، بستر فعالیت های روزمره انسان است و رابطه انسان با این فضا مدام و مستمر است و باید برای کسانی که در آن زندگی می کنند قابل فهم باشد. بر اساس آنچه تا کنون شرح داده شد: فضا، جوهره معماری است و عموم معماران آن را اصلی ترین جنبه و سرمنزلی تعریف می کنند که هدف نهایی معماری محسوب می شود. (گیدئون، ۱۳۵۰) تعاریف مختلفی که از معماری ارایه شده بر اهمیت فضا در معماری تأکید می کنند، به طوری که هنر سازماندهی فضا، وجه مشترک اکثر آن ها است. به عبارت دیگر موضوع اصلی مسکن روستایی باید این باشد که چگونه فضا با استفاده از انواع مصالح و روش های مختلف، به صورت خلاقانه سازماندهی شود.^۴ از دیدگاه تاریخی بخش مهمی از تحول معماری و به تبع آن معماری روستایی در دوره های مختلف، نشأت گرفته از دگرگونی مبانی تنظیم و تدوین فضا بوده است. این ویژگی را می توان در روش های متفاوت سازماندهی فضاهای مسکونی در معماری روستایی مناطق مختلف کشور مشاهده نمود. نگاهی به تاریخ معماری ملل در قرون گذشته نیز بیانگر این واقعیت است که عامل ایجاد تحولات اساسی در معماری، دگرگونی روش های سازماندهی فضایی و نه تغییر در سلیقه و زیبایی شناسی بوده است.^۵ معماری در همه اعصار با روشنایی، زمان، تنوع، خلوص، سبکی و سنگینی، چند ارزشی بودن، و غنای فضا و این قبیل مفاهیم همراه بوده است و برای

تراکم جمعیت در مناطق مختلف کشور برای تمایز شهر از روستا وجود دارد. این آستانه در مناطق با تراکم جمعیتی کم ۲۰۰۰ نفر، مناطق با تراکم متوسط ۵۰۰۰ نفر و در مناطق با تراکم جمعیتی زیاد ۱۰۰۰۰ نفر است.

۲. Phenomenology ۳. phenomenon

۴. به عقیده برونو زوی (Bruno Zivi) معماری هنر ساختن فضا است. از دیدگاه اگوست پره (Auguste Perret) معماری هنر سازماندهی فضا است که این هنر از راه ساختمان بیان می‌شود.
۵. به همین دلیل است که نیکولاس پوزنر تاریخ معماری را تاریخ شکل‌گیری فضا به دست انسان می‌داند.

منابع

- اشرف، احمد. ویژگی‌های شهرنشینی در ایران. نامه علوم اجتماعی، دوره اول، شماره ۴. تهران، دانشکده علوم اجتماعی و تعاون، ۱۳۵۳.
- بدران، راسم. کارگاه فهم معماری ایران: پنجره ای به گرگان. مرکز رویدادهای معماری ایران (وابسته به فرهنگستان هنر. گرگان، دوم تا ششم آبان ۱۳۸۹.
- پرتوی، پروین. پدیدار شناسی مکان. تهران، انتشارات فرهنگستان هنر، ۱۳۸۷.
- حبیبی، سید محسن. از شار تا شهر. دانشگاه تهران، ۱۳۷۵.
- دارتیک، آندره. پدیدار شناسی چیست. محمود نوالی. تهران، سمت، ۱۳۷۳.
- دورانت، ویل. مشرق زمین گاهواره تمدن. احمد آرام، ع پاشایی، امیرحسین آریان پور. علمی فرهنگی، ۱۳۷۸.
- سرتیپی پور، محسن. آسیب شناسی معماری روستایی: به سوی کالبد مطلوب. دانشگاه شهید بهشتی؛ بنیاد مسکن انقلاب اسلامی. تهران، هوشمند، ۱۳۸۸ A.
- سرتیپی پور، محسن. گونه شناسی مسکن روستایی استان مرکزی. معاونت پژوهشی و فناوری دانشگاه شهید بهشتی؛ تهران، ۱۳۸۹.
- سرتیپی پور، محسن. شاخصهای معماری مسکن روستایی در ایران. مجله هنرهای زیبا، شماره ۲۲، دانشگاه تهران، ۱۳۸۴.
- سرتیپی پور، محسن. "روستا: سکونتگاه مطلوب". فصلنامه مسکن و محیط روستا. شماره ۱۲۳، پاییز ۱۳۸۷.

- سرتیپی پور، محسن. خانه‌های روستایی ایران. بنیاد مسکن انقلاب اسلامی. تهران، B ۱۳۸۸.
- سرتیپی پور، محسن. مصالح در ساختمان و معماری. تهران، دانشگاه شهید بهشتی، C ۱۳۸۸.
- گیدئون، زیگفرد. فضا، زمان و معماری. ترجمه منوچهر مزینی. تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۵۰.
- لنگ، جان. آفرینش نظریه معماری. علیرضا عینی فر. دانشگاه تهران، ۱۳۸۱.
- مکارم شیرازی، ناصر. تفسیر نمونه. تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۴.
- موگروثر، روبرت. تفسیر محیط به روش‌های سنتی، ساختار زدایی و هرمنوتیک. منوچهر طبیبیان. دانشگاه تهران، ۱۳۸۰.
- نوربری شولتز، کریستیان. مفهوم سکونت: به‌سوی معماری تمثیلی. محمود امیریاراحمدی. آگه؛ ۱۳۸۱.
- هایدگر، مارتین. سکونت کردن، برپاداشتن، تفکر کردن. پرویز ضیاء شهبابی. تهران، سروش، ۱۳۸۱.